



شنبه ۱۷ آبان ۱۴۰۴ | ۱۶ صفحه | ۲۰ هزار تومان | سال چهارم | شماره ۹۲۶
www.hammihanonline.ir



صدای پای جنگ در لبنان

تحلیلی از آرمن منتظری
درباره تحرکات اخیر ارتش اسرائیل



مجادله بر سر حریم تهران

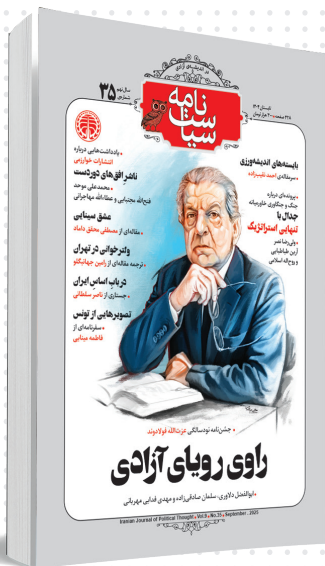
بررسی مباحث اخیر استانداری و شورای شهر
در گفت‌وگو با **پیروز حناچی** و **محمد سالاری**



با تمبک معنا می‌آفرید

درباره **جمشید شمیرانی**
که در ۸۴ سالگی دز فرانسه درگذشت

شماره جدید سیاست‌نامه منتشر شد



بررسی اطلاعیه ستاد کل نیروهای مسلح در واکنش به اظهار نظرهای اخیر

هشدار به خبرسازان مجلس

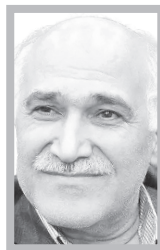


محمد اسماعیل کوثری

این اطلاعیه‌ای که اخیراً از سوی ستاد کل نیروهای مسلح صادر شده است را اطلاعیه به‌حقی می‌دانم؛ چون هر کسی که از راه می‌رسد و اطلاعی از مسائل ندارد، وقتی از او سوالی می‌شود و از آن موضوع اطلاعات و آگاهی از موضوع ندارد، نباید هر حرفی را بزند و هر مصاحبه‌ای را انجام دهد. وقتی که اطلاعی از موضوعی ندارد، خود همین اطلاعات غلط دادن باعث می‌شود که مشکلات چه برای خودی‌ها و چه برای کسانی که ادعا می‌کنند دوستان ملت ایران هستند، ایجاد شود.

علی تقی زاده

می‌توان این بیانیه را نوعی اتمام حجت از سوی ستاد کل نیروهای مسلح ارزیابی کرد. تحلیل من این است که با اظهار نظرها و کارهایی که این آقایان انجام داده‌اند، مراجع مربوطه از ادامه پیدا کردن این کارها و این نوع اظهار نظرها احساس خطر کرده‌اند که براساس همین احساس خطر، این بیانیه صادر شده است. من فکر می‌کنم این بیانیه تلنگری برای آقایان است که این وضعیت را ادامه ندهند که اگر ادامه دهند با این بیانیه‌ای که صادر شده است، جرم اینها سنگین‌تر و مشکل‌شان بیشتر خواهد شد.



رخداد
سیاست
۵

در دیدار سران
جبهه اصلاحات مطرح شد:

فراخوان کروی برای بازخوانی تاریخ اصلاحات

سرمقاله

آمادگی نقد هست؟

مسئله و موضوع گذشته، به نحو ناهنجاری در ذهن و روان ایرانیان رسوخ کرده است؛ به‌طوری که نه تنها قادر نیستیم خود را از آن رها کنیم، بلکه آینده را هم قربانی گذشته کرده‌ایم و به فراموشی سپرده‌ایم. گذشته نزدیک به صورت آسیب و زخم (تروما) است و هرچه دورتر شویم، کمابیش شیفته تصاویر ساختگی و خیالی و نوستالژیک آنها می‌شویم. این رفتار نیز برای برجسته کردن زخم گذشته‌های نزدیک است. کمتر موردی رخ می‌دهد که برای بازخوانی گذشته، البته نه برای تخطئه و محکوم کردن این و آن، بلکه برای درس گرفتن، آستین‌ها را بالا بزنیم. در میان سیاسیون جملات دو روز پیش آقای کروی می‌تواند آغازی برای ایجاد انگیزه ارزیابی و نقد در بخشی از نیروهای باشد که در اتفاقات گذشته‌های نزدیک نقش موثری داشتند و اکنون هم در مقام نقش‌آفرینی سیاسی هستند. آقای کروی در دیدار با هیئت رئیسه جبهه اصلاحات گفت که این جریان باید با بازخوانی حوادث دوران اصلاحات اشتباه‌ها و ناکامی‌های گذشته را مورد توجه قرار دهد تا نیروهای فعال‌مان با درس گرفتن از آن، اشتباه‌ها را دوباره تکرار نکنند. وی در پایان نیز تأکید کرد که «بیان این مطالب برای سرزنش فرد و یا جریانی نیست؛ بلکه برای آن است که از گذشته درس بگیریم و من بعد وحدت خود را حفظ و از تفرقه دوری کنیم. ما باید تمام تلاش‌مان را برای تحقق حاکمیت مردم بر سرنوشته‌شان انجام دهیم.» واقعیت این است که شواهد کافی از آمادگی این نیروها برای انجام چنین پیشنهادی در دست نیست. به نظر می‌رسد که در درجه اول اغلب مسئولیت ناکامی‌ها را متوجه حکومت و مخالفان اصلاحات می‌کنند. این یک اشتباه رویکردی جدی است، طرف مقابل مسئله است و اصلاح‌طلبان خود را حل‌کننده مسئله و راه‌حل معرفی می‌کنند. پس عدم حل مسئله را باید متوجه مدعی حل آن کرد و نه مسئله. نکته دیگر اینکه میان اشتباه‌های راهبردی و فنی یا تاکتیکی باید تمایز قائل شد. اشتباهات فنی در نهایت تعیین‌کننده نهایی نیستند. باز یک ممکن است یک توپ را گل نکنند و بازی را ببازد. این، مسئله اصلی نیست. بلکه راهبرد تیم را باید دید که درست بوده یا نادرست. اگر نادرست باشد، همه بازیکنان در راهبرد نادرستی ایفا نقش کرده‌اند. خطاهای تاکتیکی آنها هم بی‌معنا خواهد بود. به نظر می‌رسد که اصلاح‌طلبان دچار خطای راهبردی بودند که جامعه به این وضع رسیده است. البته، مسئولیت حقوقی این وضع متوجه صاحبان قدرت است؛ ولی مسئولیت سیاسی منتقدان را به‌صورت عام و اصلاح‌طلبان را به‌صورت خاص نباید از نظر دور داشت. ❧



عاشقانه مه‌جور

گفتارهایی از استادان
فرهنگ و ادب
درباره **ویس و رامین**
منظومه جاودان
فخرالدین اسعد گرگانی

یادداشت
سرمدیر

سانسور فرهنگ و فرهنگ سانسور



محمد جواد روح

چنان که سزای آن است، در تاریخ ادبیات ایران جایگاه نیافته‌اند. چرایی این امر، نکته درخور تأملی است و فراتر از مباحث ادبی، نوعی نگاه جامعه‌شناختی فرهنگی و تاریخی را می‌طلبد؛ جامعه‌ای که بخشی از گنجینه فرهنگی خود را نادیده می‌انگارد و در سایه قرائت‌های خشک اندیشه‌دینی و فرهنگی، صاحب‌قلمانی را به حاشیه می‌راند و آثارشان را همچون کتب ضاله بایگانی می‌کند. نمی‌تواند ادعای رواداری و چندفرهنگی کند. چنین جامعه‌ای است که حتی ستارگان نامدار ادب خود

معماسازی و معماگشایی‌هایش مست می‌کند. با خوانش «ویس و رامین»، مخاطب خود را با شاعری مواجه می‌بیند که در مثنوی گویی عاشقانه بر منظومه‌سرایی چون نظامی گنجوی فضل تقدم دارد و در مسیر این منظومه‌سرایی سترگ، نکته‌هایی شاعرانه رو می‌کند و به‌ویژه مضمون‌هایی می‌پردازد که بسیاری از آنها در آثار شاعران بزرگ سده‌های بعد (به‌ویژه نظامی و حتی حافظ و سعدی و مولانا) پژواک یافته است و بازسرای شده است. باین حال، نه «ویس و رامین» و نه فخرالدین اسعد گرگانی

چون حافظ را وامی‌دارد تا از پشمینه‌پوشان زشت‌خوی آه و فغان سر دهد یا حتی سجاده‌نشین باوقاری چون مولانا را پس از چشیدن از قدح عشق و سماع، بازیچه کودکان کوی کند و یا حتی چون فردوسی، تا سال‌ها عظمت تاریخی که بازآفرید، قدر دانسته نشود؛ تا جایی که حتی در خود شاهنامه، گاهویی‌گاه از دشواری روزگار و تنگی معیشت در این رنج سی‌ساله بگوید و بنالد. وضع و حال حافظ و مولانا و فردوسی اما یک‌هزارم آنچه بر فخرالدین اسعد گرگانی گذشت، نیست. او نه با تندگویان و خشک‌ذهنان و اهالی قدرت و مکتب در ستیز و تعارض بود و اگر هم بود، مسئله اصلی او و منظومه‌اش این نبود. درد فخرالدین و ویس و رامین، فراتر از شخص و ساختار و حتی دوران است. او و منظومه‌اش گرفتار بایگونی تاریخی شدند. چرا؟ ❧